

## سه ماه کسر عشر حقوق به علت صدور اجرائیه قبل از قطعیت حکم

■ دادنامه شماره ۵۰۴ و ۵۰۳ - ۸۳/۱۰/۲۷ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات: «قرار منع پیگرد صادره از ناحیه بازپرس دادسرای

و قاچاق مصوب (۵۰/۱۱/۲۶) واقع شده بود پرونده امر به منظور تعقیب قانونی قاضی نامبرده به دادسرای عمومی و انقلاب تهران ارسال و در

برسد. دادگاه انقلاب ایلام در تاریخ ۸۲/۹/۲۰ طی نامه شماره ۵۳۸۳ - ۱۳/۰۴ پاسخ داده ... یک قبضه سلاح کمبری از نوع استار با یک خشاب جهت حفاظت شخصی به آقای ... دادیار ناظر زندان تحویل و طی شماره ۱۱۹۳۸ - ۷۸/۱۰/۱ جهت صدور مجوز نگهداری با شعبه سلاح و مهمات استان مکاتبات لازم صورت گرفته است. مراتب در اختیار بودن اسلحه طی نامه‌ای به حفاظت و اطلاعات دادگستری استان نیز منعکس و اعلام شده است تاکنون سلاح به این دادگاه مسترد نشده مراتب جهت اطلاع اعلام می‌گردد لیکن در تاریخ ۸۲/۹/۲۴ پاسخ گفته است یک قبضه اسلحه کلت کمبری نسبت به استرداد آن به این مرجع اقدام نموده است.

آقای بازپرس در تاریخ ۸۲/۹/۲۶ چنین اظهارنظر کرده است: در خصوص اتهام آقای ... «فعلاً معلق از شغل قضا» دادر بر حمل و نگهداری سلاح جنگی غیرمجاز خلاصه موضوع چنین است که حسب محتویات پرونده مستند به گزارش حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه قاضی ... بدو با رعایت مقررات قانونی جواز حمل سلاح کمبری به شماره ... از مرجع ذیصلاح اخذ و پس از پایان مهلت جواز یاد شده و عدم تمدید آن نسبت به تحویل سلاح خود به حفا استان اقدام نکرده است و به این اعتبار مراتب توسط حفا جهت تعقیب وی به دادسرای انتظامی گزارش شده. دادسرای مرقوم نهایتاً با این عقیده که عمل جرم و مشمول مقررات ماده ۲ قانون تشدید مجازات ... است تقاضای تعلیق قاضی یاد شده را از دادگاه عالی انتظامی قضات نموده و دادگاه مذکور با این استدلال که قاضی مورد شکایت در مظان اتهام نگهداری غیرمجاز سلاح جنگی قرار گرفته با تقاضای تعلیق وی موافقت و قرار تعلیق آقای ... از شغل قضا صادر و سپس پرونده جهت رسیدگی به این دادسرا ارسال و در نهایت به این شعبه ارسال شده است.

برابر محتویات پرونده و مدافعات به عمل آمده قاضی مشارالیه از چندین ماه قبل از اتمام مهلت جواز حمل سلاح خود مراتب را جهت تمدید آن به حفاظت محل خدمت خود اعلام کرده. ضرورت تسلیح وی نیز چندین بار از طرف رئیس کل دادگستری استان به حفاظت و اطلاعات



تاریخ ۸۲/۹/۱۸ جهت رسیدگی به آقای بازپرس شعبه ... دادسرای عمومی ویژه کارکنان دولت ارجاع و نزد ایشان آقای ... در تاریخ ۸۲/۹/۱۹ به سئوالات آقای بازپرس چنین پاسخ گفته‌اند.

سئوال: گزارش دادسرای انتظامی راجع به حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز جنگی و سایر محتویات پرونده قرائت می‌شود چه می‌گویید؟  
جواب: عرض می‌شود تمامی اظهاراتم به شرح لایحه پیوست می‌باشد. ضمناً مدارک مثبته لازم که حکایت از بی‌گناهی و عدم احراز سوءنیت اینجناب می‌نماید تماماً به پیوست ده برگ ضمیمه می‌باشد. ضمناً اسلحه مورد نظر را تحویل داده و تقاضای اخذ تصمیم عادلانه را دارم.

سئوال: اسلحه‌را به چه شخص یا نهادی تحویل دادید؟  
جواب: چون اسلحه را از دادگاه انقلاب تحویل گرفته بودم به همان مرجع تحویل دادم.  
آقای بازپرس دستور داده دفتر مراتب تحویل اسلحه توسط آقای ... از دادگاه انقلاب ایلام استعلام شود «فاکس شود» با وصول پاسخ به نظر

عمومی و انقلاب ویژه کارکنان دولت درباره قاضی متهم به حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز محمول بر نظر قضائی بوده است.»

جریان امر: گزارش و نظر آقای ... دادیار سابق دادسرای انتظامی (معاون فعلی دادسرا) از این قرار است: حفاظت اطلاعات قوه قضائیه طی نامه شماره ... گزارش نموده است آقای ... دادیار دادسرای عمومی و انقلاب ایلام مسلح به سلاح کمبری می‌باشد که مدت اعتبار مجوز حمل آن در ۸۱/۷/۲۳ به اتمام رسیده و عنبرغم تذکر کتبی و شفاهی حفاظت و اطلاعات دادگستری استان تاکنون هیچ اقدامی جهت تحویل آن به عمل نیآورده است.

با توجه به نگهداری غیرمجاز اسلحه که برخلاف مقررات است و ... تقاضای اقدام قانونی دارد پس از تعلیق قاضی نامبرده از شغل قضا که در مظان اتهام نگهداری غیرمجاز سلاح جنگی (بزه موضوع ماده ۲ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات

دادنامه شماره ۱۲۹ - ۸۳/۴/۴ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات: «تخلف انتظامی به لحاظ صدور اجرائیه قبل از قطعیت حکم».

دادسرای محترم انتظامی قضات طبق کیفرخواست شماره ... صادره در پرونده انتظامی کلاسه ... آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران را در رسیدگی به پرونده‌های کلاسه ... شعبه مذکور متخلف اعلام و به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات مجازات انتظامی وی را تقاضا کرده است.

گزارش دادسرای انتظامی قضات اجمالا حاکی است خانم «م - ب» دو فقره دادخواست به خواسته‌های مطالبه مهریه به تعداد ۳۰۰ عدد سکه بهار آزادی و نفقه معوقه به میزان دوازده میلیون و ششصد هزار ریال علیه همسرش آقای «ح -

راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات تقاضای مجازات انتظامی قاضیان مشتکی عنهما انتظامی شده است.

کیفرخواست‌ها به نامبردگان ابلاغ شده از سوی آنان لایحه دفاعیه واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد شد.

اینک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از مطالعه گزارش امر و لایحه دفاعیه با کسب عقیده معاون محترم دادسرای انتظامی قضات مبنی بر: (صدور حکم دائر بر تعیین مجازات انتظامی قضات مشتکی عنهما مورد تقاضاست) و انجام مشاوره به شرح آتی رای صادر می‌نماید:

رای:

با عنایت به مدافعات آقایان دادیار و بازپرس مشتکی عنهما انتظامی مفاد مبنی بر اینکه «قرار

اعلام گردیده با این حال به دلایلی که در پرونده مشخص نیست جواز حمل سلاح آقای ... تمدید نشده است. همچنین برابر نامه‌های شماره ... و ... دادگاه انقلاب اسلامی ایلام اسلحه موضوع جواز یاد شده از طرف مرجع اخیرالذکر به آقای ... تحویل و سپس توسط وی به همان مرجع عودت داده شده است اما در مورد بزه استنادی به نظر انطباق ماده ۲ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه ... به موضوع اعلام شده همان طور که مورد اختلاف دادیاران دادسرای انتظامی هم واقع شده است جدا محل تردید است عنوان این قانون خود موید این نظر است و اصولا منطقی نیست که شخص قاضی شاغل بدون دلایل موجه و بلافاصله پس از اتمام مهلت جواز حمل سلاح و عدم تمدید آن در ردیف قاچاقچیان مسلح و مشمول مقررات جزایی سنگین قانون یاد شده قرار گیرد در دستورالعمل تسلیح کارکنان قوه قضائیه هم با وجود پیش‌بینی مورد عدم تمدید جواز اسلحه چنین موضوعی پیش‌بینی نشده است و فاقد ضمانت اجرایی مورد خاص است از طرفی هیچ‌گونه گزارشی هم دایر بر سوءاستفاده از سلاح تحویلی به آقای ... چه شخصا یا توسط دیگری در پرونده موجود نیست لذا با تردید در شمول مقررات کیفری مندرج در قانون تشدید مجازات قاچاق ... به مورد رسیدگی و به استناد اصول قانونی بودن جرم و مجازات و برائت و لزوم تفسیر مضیق قوانین جزایی توجها به استرداد اسلحه عقیده به منع تعقیب دارم. بازپرس ... با قرار منع تعقیب صادره آقای ... دادیار اظهارنظر موافقت سپس آقای بازپرس دستور می‌دهد مراتب به دادسرای انتظامی قضات و قاضی مشتکی عنه ابلاغ شود.

قای دادیار وقت انتظامی سرانجام چنین اظهار عقیده نموده‌اند: اولاً: (مورد ایراد این بند را آقای معاون اول دادسرا موافقت ننموده و در نتیجه آقای دادیار نامبرده از نظریه این بند عدول نموده است). ثانیاً مدت اعتبار مجوز سلاح در تاریخ ۸۱۰۷۰۲۳ منقضی و اظهارات مورخ ۸۲/۹/۱۹ متهم مبنی بر تحویل سلاح به حکایت نامه شماره ... دادگاه انقلاب اسلامی ایلام دروغ بوده و علیرغم تذکرات مکرر تا تاریخ ۸۲/۹/۲۳ از استرداد سلاح خودداری و امتناع ورزیده است. در ماده ۲ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح بالصراحه و بدون هیچ‌گونه ابهام مقنن نگهداری و حمل سلاح به نحو غیرمجاز را جرم دانسته است.

لذا صدور قرار منع پیگرد به معاذیری از قبیل لزوم تفسیر مضیق قوانین جزایی و سنگین بودن مجازات مقرر ... غیرقابل توجیه بوده از این رو آقایان ... بازپرس و ... دادیار دادسرای عمرمی تهران از این حیث متخلف تشخیص و به استناد ماده ۲۰ نظامنامه عقیده به تعقیب انتظامی مشارالیهما دارم.

سرانجام با نظریه فوق موافقت شده در نتیجه کیفرخواست‌های شماره بالا از دادسرای انتظامی قضات صادر گردیده به استناد ماده ۲۰ نظامنامه



ب» به دادگستری تهران تقدیم نموده که به شعبه ... دادگاه عمومی تهران ارجاع شده است وکیل خواهان طی لایحه‌ای مطالبه نفقه معوقه را به مبلغ سی و شش میلیون ریال افزایش داده و دعوی مهریه را به مطالبه پنجاه عدد سکه بهار آزادی بابت بخشی از مهریه مقوم به مبلغ چهار میلیون ریال تقلیل داده است.

آقای «ح - ب» نیز دادخواستی به خواسته الزام به تمکین به طرفیت همسرش خانم «م - ب» تقدیم نموده که به شعبه ... دادگاه عمومی تهران ارجاع شده است. در وقت رسیدگی که جلسه دادگاه با حضور وکلای طرفین تشکیل شده وکلاء جهت مذاکره تقاضای مهلت یک ماهه نموده‌اند در جلسه بعدی که دادگاه در غیاب طرفین و وکلای آنها تشکیل شده لوائح وکلا مورد ملاحظه دادگاه قرار گرفته و در خصوص پرونده تکمیلی دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و مبادرت به صدور رای نموده و در پرونده‌های مطالبه نفقه و مهریه به لحاظ اینکه وقت به خوانده ابلاغ نشده وقت

منع تعقیب قاضی معلق از خدمت از اتهام نگهداری سلاح پس از اتمام مهلت جواز با لحاظ دفاع قاضی موصوف دایر بر اینکه مکرراً تقاضای تهیه جواز حمل سلاح را نموده و رئیس کل دادگستری استان نیز چندین بار لزوم تسلیح وی را به حفاظت و اطلاعات اعلام داشته و براساس فهم قضائی خود از قضیه صادر نموده‌اند مضافاً بر اینکه آقای ... معاون دادسرای انتظامی قضات طی سه صفحه با دلایل استوار خویش برخلاف نظر آقای ... موضوع را اساساً جرم تلقی ننموده و بر این اساس با تعلیق قاضی موصوف مخالفت کرده حال چگونه است که ابراز عقیده ایشان که همانند عقیده ما بوده تخلف محسوب نگردیده و در مورد ما کیفرخواست صادر گردیده است» عملکرد آنان معمول بر نظر قضائی است.

بنا به مراتب ضمن رد کیفرخواست‌های شماره ... دادسرای انتظامی قضات رای بر برائت آقایان ... دادیار و ... بازپرس وقت دادسرای عمومی و انقلاب تهران صادر و اعلام می‌نماید.

رسیدگی تجدید شده است در مورد دعوی تمکین دادگاه با استناد به ماده ۱۹۸۵ قانون مدنی عدم تمکین خوانده را موجه و مشروع دانسته و حکم به رد دعوی خواهان صادر کرده است.

رای مذکور در شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران تایید گردیده است. در مورد دعوی مطالبه نفقه و مهریه به لحاظ عدم حضور خوانده و بستگانش در محل اخطاریه دعوت وی برای رسیدگی ابلاغ قانونی گردیده است در وقت مقرر دادگاه با حضور وکیل خواهان در غیاب اصحاب دعوی تشکیل شده و در مورد مطالبه مهریه ختم رسیدگی اعلام و رای به محکومیت خوانده به پرداخت ۵۰ عدد سکه بهار آزادی مقوم به مبلغ چهار میلیون ریال بابت قسمتی از مهریه خواهان صادر و رای غیابی اعلام گردیده و راجع به دعوی مطالبه نفقه موضوع به کارشناسی ارجاع شده است در مورد محکومیت به پرداخت مهریه

قضات اظهارنظر نموده آقای رئیس دادگاه با تخطی از مقررات ماده اول قانون اجرای احکام مدنی قبل از اینکه رای صادره راجع به پرداخت مهریه به قطعیت رسیده باشد مبادرت به صدور اجرائیه کرده است و از این جهت تعقیب انتظامی قاضی مشتکی عنه را درخواست نموده است.

پس از صدور کیفرخواست و ابلاغ آن به قاضی مربوطه لایحه دفاعیه وی واصل شده که هنگام شور قرانت خواهد گردید. اینک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است و با قرانت گزارش و لایحه دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده محترم دادرسی انتظامی قضات اجمالاً مبنی بر: «اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی...» مشاوره نموده و چنین رای می‌دهد:

**رای دادگاه:**

اقدام آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی

شده است) با درج خلاصه‌ای از آن اظهارنظر نموده‌اند: با توجه به اینکه شکایه در شکوائیه خود و برگ تحقیق اعلام داشته نسبت به وی تهدید و هتاک شده و اعلام شکایت نموده و متهم اقرار داشته که برق منزل را قطع و بنا به دستور مقام قضائی مجدداً وصل نموده و با توجه به اینکه متهم همراه پرونده به بازپرسی اعزام و آقای بازپرس ... دستور داده پرونده اعاده گردد و متهم ۲۴ ساعت تحت نظر باشد و سابقه کیفری او اخذ شود بدون تحقیق از متهم پرونده را با دستور فوق اعاده داده می‌توانسته خود از طرفین پرونده تحقیق و در صورت لزوم سابقه کیفری وی را بخواهد و نیز در اظهارنظر نهایی خود ذکر از ایجاد مزاحمت بانوان نموده و در مورد تهدید و هتاک اظهارنظر نموده مرتکب تخلف انتظامی گردیده و آقای دادیار اظهارنظر (آقای ...) نیز که بدون توجه به محتویات پرونده با قرار نهایی موافقت نموده و توجیه به دیگر شکایت شکایه نموده مرتکب تخلف از نوع مسامحه شده است. آقای دادستان انتظامی قضات با توجه به اینکه اعلام شده که آقای ... با سلب صلاحیت باز خرید از خدمت گردیده، صرفاً با صدور کیفرخواست درباره آقای ... دادیار دادرسی عمومی و انقلاب اسلامی تهران موافقت نموده و بر این اساس اقدام شده است.

کیفرخواست صادره به قاضی امر ابلاغ و از سوی مشارالیه لایحه دفاعیه‌ای به دادگاه تسلیم گردیده است که در هنگام شور قرانت می‌شود. اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است و پس از قرانت گزارش امر و لایحه دفاعیه واصله با کسب عقیده آقای ... معاون و نماینده دادرسی انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دائر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه در مورد کیفرخواست دادرسی انتظامی مورد تقاضاست) مشاوره نموده و به شرح آتی رای صادر می‌نماید:

**رای:**

با عنایت به مدافعات دادیار مشتکی عنه انتظامی اجمالاً مبنی بر اینکه «در قرار نهایی بازپرس که با آن موافقت نموده، موضوع تهدید و هتاک مندرج در شکایت شکایه خصوصی با توجه به اوضاع و احوال پرونده، مزاحمت بانوان تلقی و با انطباق مورد به این امر درباره آن ابراز عقیده شده است» و با لحاظ اینکه انطباق موارد شکایت کیفری با عناوین جزایی قانونی با قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده می‌باشد. ایراد به عملکرد دادیار موصوف دایر بر «موافقت با قرار نهایی بازپرس که در آن راجع به تهدید و هتاک اعلامی از سوی شکایه پرونده امر هیچگونه اظهارنظر به عمل نیامده و نسبت به امری که مورد شکایت نبوده (مزاحمت بانوان) اظهارنظر گردیده است» وارد تشخیص داده نشد. بنا به مراتب ضمن رد کیفرخواست شماره ... دادرسی انتظامی قضات رای بر برانته آقای ... دادیار دادرسی عمومی و انقلاب تهران صادر و اعلام می‌نماید.

تهران در صدور اجرائیه قبل از قطعیت حکم برخلاف مقررات ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی و تخلف از مقررات قانونی است. مدافعات وی در توجیه تخلف اعلامی مفید و موثر در مقام نمی‌باشد عنینها به استناد قسمت اول ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات مشارالیه به کسر عشر حقوق ماهانه به مدت سه ماه محکوم می‌گردد. رای صادره قطعی است.

**دادنامه شماره ۵۱۶ - ۸۳/۱۱/۶ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات: «انطباق موارد شکایت کیفری با عناوین جزایی قانونی با قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده است.»**

خلاصه جریان امر: آقای ... با مطالبه و ملاحظه پرونده موضوع شکایت انتظامی آقای «ن - س» (در پرونده مذکور شکایه انتظامی از سوی خانم «م - م» تحت عنوان تهدید و اهانت و ممانعت از ورود به منزل اجاره‌ای مورد شکایت واقع

محکوم علیه وخواهی کرده دفتر دادگاه جهت تکمیل پرونده برای وی اخطار رفع نقص صادر نموده و به لحاظ اینکه در موعد مقرر رفع نقص نکرده قرار رد دادخواست وخواهی وی را صادر کرده است وکیل خانم «م - ب» در مورد مهریه درخواست صدور اجرائیه کرده که اجرائیه صادر و به آقای «ح - ب» ابلاغ شده است.

نامبرده اعتراض خود را در مورد صدور اجرائیه قبل از قطعیت رای به سرپرست مجتمع اعلام نموده سرپرست مجتمع اعتراض را برای رئیس دادگاه ارسال و تذکر داده زودتر از وقت مقرر اجرائیه صادر شده است. آقای رئیس دادگاه پس از ملاحظه لایحه محکوم علیه مبادرت به صدور رای نموده و قرار رد دادخواست دفتر را تایید کرده است.

آقای «ح - ب» دادخواست تجدیدنظر به صورت ناقص تقدیم نموده و به شرح دادنامه دیگری گواهی بر طلاق توافقی صادر و طرفین دعاوی خود را مسترد داشته‌اند دادرسی انتظامی

**دادگاه عالی انتظامی قضات: «تخلف انتظامی به لحاظ صدور حکم به رد دعوی تخلیه علی‌رغم محرز بودن رابطه استیجاری»**

اعلام تخلف دادرسی انتظامی علیه آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران در جریان رسیدگی به پرونده حقوقی کلاسه ... بر اساس گزارش خواهان دعوی تخلیه علیه مستاجر به دلیل واگذاری به غیر تقدیم داشته و به شعبه ... ارجاع شده است با درخواست خواهان مبنی بر اجرای قرار معاینه و تحقیق محلی جهت احراز تخلف مستاجر دادگاه قرار مورد تقاضا را صادر و وضعیت ثبتی را نیز استعلام نموده است دادگاه با احراز رابطه استیجاری و نیز انتقال به غیر جهت تعیین میزان نصف حق کسب و پیشه قرار ارجاع امر به کارشناس صادر و کارشناس نیز میزان مورد نظر را مشخص کرده است در این زمان دعوی دیگر به عنوان وارد ثالث تقدیم شعبه دیگری شده

۶۸/۱۲/۱۳- به خریدار دوم آقای «م-ا» تفویض نموده است.

بنا به مراتب آقای «ح-ع» نه مالک رسمی منک مورد ترافع و نه وکیل مالک بوده و با فروش منک و عمل به وکالت و تفویض آن، مورد وکالت منتفی شده لذا صدور حکم دادگاه بر الزام وی به تنظیم سند رسمی انتقال از این جهت که نه مالک بوده و نه دارای سمت وکالت، وجاهت قانونی نداشته بلکه حکم صادره در مورد مشارالیه عبث و غیرقابل اجراءست.

پس از ابلاغ کیفرخواست، لایحه دفاعیه قاضی مشتکی عنه واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد گردید. اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و لایحه دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دائر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشتکی

**دادنامه شماره ۳۰۷ - ۸۵/۷/۱۸ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات: «تخلف انتظامی به لحاظ عدم ترتیب اثر به گزارش مامور ابلاغ دایر بر فوت احد از خواندگان»**

دادستان انتظامی قضات به موجب کیفرخواست شماره ... صادره در پرونده کلاسه ... انتظامی بر اساس نظریه آقای ... دادیار که به تأیید آقای ... معاون آن دادرسی رسیده، آقای ... دادرسی وقت شعبه ... دادگاه عمومی تهران را در رسیدگی به پرونده کلاسه ... و صدور رای شماره ... متخلف اعلام و به استناد ماده ۲۰ رعایت ماده ۲۵ نظامنامه مجازات انتظامی او را تقاضا دارد.

قای ... دادیار انتظامی پس از گزارش جریان پرونده چنین اظهارنظر کرده است: ۱- مامور ابلاغ در تاریخ ۸۱/۱۲/۶ گزارش کرده که خواننده اول فوت کرده است. با توجه به اینکه خواهان مدعی است منک مورد دعوی را از وی خریداری و تمامی ثمن معامله را به او داده و به عنوان وکیل رسمی مالک وکالت خود را به او تفویض نموده، دادگاه می‌بایست به دستور ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی، دادرسی را متوقف و به خواهان اخطار می‌نمود تا جانشینان متوفی را تعیین نماید ولی آقای ... مبادرت به صدور رای نموده و همان طور که شعبه ... دادگاه تجدیدنظر در رای خود استدلال کرده، صدور حکم علیه متوفی فاقد مجوز قانونی بوده و دادرسی بدوی از مقررات بند ۴ ماده ۸۴ و ماده ۱۰۵ قانون مرقوم تخلف کرده است.

۲- رای صادره واجد تخلفات دیگری نیز می‌باشد: اولاً- «ز جمله مستندات خواهان نوشته عادی مورخ ۶۸/۸/۲۲ منتسب به «م-ا» خواننده دوم و مالک رسمی ملک مورد دعوی می‌باشد که حاکی از اقرار وی دایر بر فروش ملک به خواننده متوفی «ح-ع» و دریافت تمام ثمن معامله به مبلغ ۱۵ میلیون ریال است. از طرفی فروشنده طی وکالتنامه رسمی شماره ۸۱۰۹۸ - ۶۷/۱۲/۱۶ وکالت بلاعزل از جهت امکان قانونی انتقال رسمی ملک را به خریدار «ح-ع» تفویض نموده است. بنا به مراتب در معامله بعدی بین «ح-ع» و «م-الف» طی مبیاعه‌نامه عادی مورخ ۶۷/۱۱/۳۰ که مبلغ ۹/۳۰۰/۱۰۰۰ ریال از ثمن معامله باقی مانده و چنانچه کسی استحقاق دریافت بقیه ثمن را داشته باشد آقای «ح-ع» ید ماقبل آقای «م-الف» است نه «م-ا» که در معامله اول خود با «ح-ع» تمامی ثمن معامله را دریافت کرده کمااینکه دادگاه تجدیدنظر به این امر توجه نموده و تجدیدنظرخواهی آقای «م-ا» را در مورد مبلغ مذکور مردود دانسته. به هر حال آقای ... پرداخت مبلغ فوق را در حق کسی تکلیف نموده که استحقاق دریافت آن را نداشته است.

لایحه آقای «ح-ع» خریدار اول و فروشنده دوم ملک مورد دعوی طی مبیاعه‌نامه عادی مذکور ملک را به آقای «م-الف» فروخته و بخشی از ثمن را هم طی دو فقره چک دریافت کرده و با وکالتی که از طرف مالک رسمی (فروشنده اول آقای م-ا) داشته با داشتن حق توکیل، وکالت خود را به موجب وکالتنامه رسمی شماره ۸۵۰۹۳



است که به لحاظ ارتباط دادگاه قرار رسیدگی توانان صادر و دستور تعیین وقت داده است و در این جلسه دعوی دیگری از طرف واردین ثالث مطرح شده دادگاه قرار رسیدگی توام به هر سه پرونده را صادر نموده در جلسه دادگاه وکیل خواهان‌ها اظهار داشته است رضایت موجرین بر انتقال منتفی است و دلیلی بر این مطلب وجود ندارد وکیل واردین ثالث اظهار داشته‌اند احد از موجرین اظهارنامه برای وصول اجاره‌بها تنظیم و ارسال داشته و همین دلیل رضایت است دادگاه برای بار دوم قرار معاینه محلی و تحقیق صادر نموده است.

در جلسه مقرر دادگاه به لحاظ استرداد دادخواست بانو «ش» قرار ابطال دادخواست و به لحاظ رضایت از آقایان «ف» قرار سقوط دعوی صادر شده است با انحلال دادگاه حقوقی ۲ و تشکیل محاکم عمومی و انقلاب پرونده در شعبه ... به تصدی آقای ... مطرح رسیدگی قرار گرفته است که دادگاه با طی مقدمات و مراحل حکم به

عنه مورد تقاضاست) با انجام شور به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید:

**رای دادگاه:**

عدم ترتیب اثر به گزارش مامور ابلاغ دایر بر فوت احد از خواندگان به ترتیب منعکس در گزارش مبنای کیفرخواست تخلف است و دفاع قاضی امر در این زمینه موثر تشخیص داده نشد.

بنا به مراتب آقای ... دادرسی وقت شعبه ... دادگاه عمومی تهران را به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات به توییح کتبی با درج در برگ خدمت محکوم می‌نماید. در سایر موارد با توجه به مدافعات به عمل آمده تخلفی احراز نگردید و درخواست اعمال ماده ۲۵ نظامنامه مذکور درباره قاضی موصوف نیز با توجه به تاریخ محکومیت‌های قبلی موجه به نظر نمی‌رسد. رای صادره قطعی است.

**دادنامه شماره ۱۲۸ - ۸۶/۵/۳ شعبه ...**



رد دعوی خواهان‌ها به دلیل عدم احراز مالکیت و نتیجتاً احراز رابطه استیجاری نموده است و نیز نسبت به دعوی واردین ثالث و اول و دوم قرار رد دعوی (به دلیل طرف قرار ندادن افراد ذی‌مدخل در دعوی رعایت اصول مربوطه نشده است) صادر نموده است.

نسبت به این تصمیم تجدیدنظرخواهی شده و دادگاه تجدیدنظر حکم رد دعوی تخلیه را نقض کرده و اعتراض وارد تشخیص داده است و مستنداً به تبصره یک ماده ۱۹ و تبصره یک ماده ۲۷ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب مرداد ۱۳۵۶ حکم به تخلیه مورد اجاره فوق ظرف مدت دو ماه از تاریخ قطعیت حکم و تحویل آن به تجدیدنظر خواهان در قبال پرداخت نصف سرقفلی به میزانی که کارشناس معین نموده صادر نموده است واردین ثالث دادخواست اعاده دادرسی تقدیم شعبه تجدیدنظر کرده‌اند. شعبه رای به رد دادخواست اعاده دادرسی

**رای دادگاه:**

اقدام آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران در صدور حکم به رد دعوی تخلیه به لحاظ عدم احراز رابطه استیجاری در حالی که این رابطه حسب دلالت پرونده محرز بوده است و نیز عدم اظهارنظر نسبت به بخشی از خواسته دعوی (مطالبه اجور) خروج از مسیر قانون روابط موجر و مستاجر بوده و تخلف است لذا استناداً به بند ۳ ماده ۴ از قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون استخدام قضات مصوب ۱۳۱۷ به کسر ثلث حقوق به مدت دو ماه محکوم می‌گردد دیگر ایراد دادرسی وارد به نظر نرسید. این رای قطعی است.

دادنامه شماره ۳۲ تا ۳۵ - ۸۳/۲/۷ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات: «از جمله تخلفات انتظامی در دادنامه فوق عبارتند از: عدم نظارت بر امور دفتری، تعیین کارشناسان زوج و...»

کلاس ... ثبت شده و در جریان رسیدگی قرار گرفته است. دادنامه اشاره شده در تاریخ ۷۹/۵/۱۷ به خانم «م - ن» (خواننده) و در تاریخ ۸۰/۱/۲۵ به خواهان ابلاغ گردیده است.

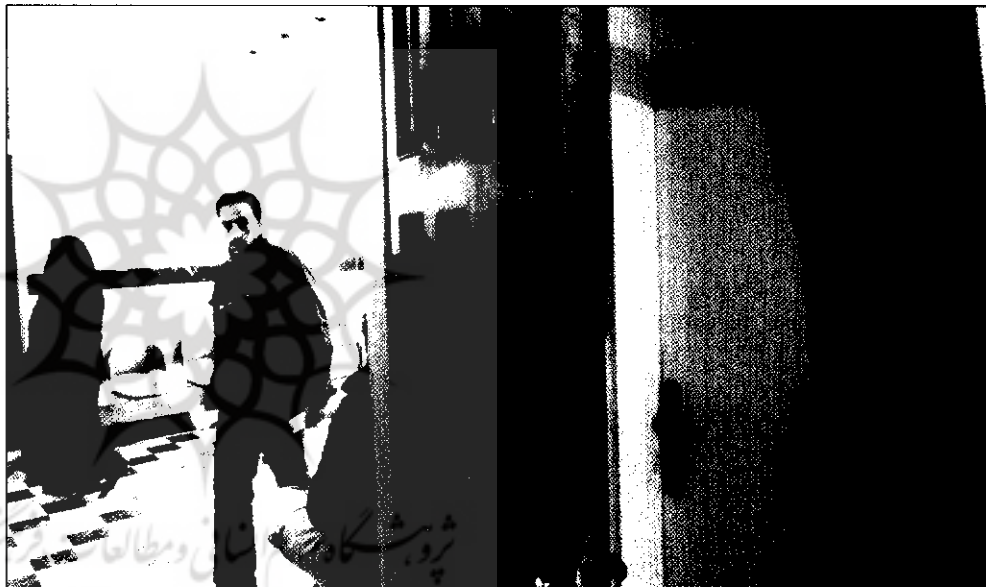
خواهان نسبت به آن اعتراض نموده و مفاد اعتراض این است که مهریه مافی‌القباله یک هزار سکه بهار آزادی است و حال اینکه خواننده طبق رسید عادی مورخ ۶۱/۷/۲ قبول دریافت نموده است دادگاه تجدیدنظر (شعبه ...) برای روشن شدن موضوع طرفین را دعوت نموده در جلسه دادگاه زوجه رسید ارائه شده از طرف تجدیدنظرخواه را جعلی اعلام نموده است دادگاه تجدیدنظر با اعلام ختم دادرسی و با استدلال به اینکه دادگاه در خصوص اجرت‌المثل مورد مطالبه زوجه اظهارنظر نکرده حال آنکه حسب مفاد مندرجات تبصره ۳ ماده واحده اصلاح قانون طلاق اجرای طلاق موکول به پرداخت کلیه حقوق شرعی و قانونی زوجه است و قبل از تعیین تکلیف آن اجرای طلاق عملاً مواجه با مشکل خواهد بود و در مورد مهریه میزان دقیق آن با وصف اینکه تجدیدنظرخواه با ارائه رسید عادی ۶۱/۷/۲ ادعا نموده زوجه از نهد عدد سکه بهار آزادی صرف‌نظر نموده در دادنامه مشخص نگردیده رای بدوی را غیرماهوی و قرار تشخیص و با نقض آن پرونده را به دادگاه بدوی ارسال نموده است.

دادگاه بدوی به تصدی دادرسی تشکیل و با ارجاع امر به کارشناس در خصوص تعیین اجرت‌المثل نظریه کارشناس را مبنی بر اینکه میزان اجرت‌المثل سه میلیون تومان است اخذ نموده است این نظریه مورد اعتراض قرار گرفته آقای دادرسی موضوع را به دو نفر کارشناس دیگر ارجاع داده که این بار میزان اجرت‌المثل چهار میلیون تومان تعیین شده است. دادگاه نهایتاً اجرای صیغه طلاق را به پرداخت یکصد عدد (باقیمانده) سکه بهار آزادی بابت مهریه و پرداخت چهار میلیون تومان بابت اجرت‌المثل موکول نموده است و در خصوص اصل طلاق نظر نداده ایراداتی که آقای ... دادیار محترم انتظامی قضات به قضات مربوطه گرفته‌اند اجمالاً چنین است:

الف: در مانحن فیه قطع نظر از اینکه رای جهت ابلاغ برای وکیل ارسال نشده نسخه رای ارسالی خواهان نیز در تاریخ ۷۹/۵/۱۷ به خواننده ابلاغ و اقدامی در تصحیح آن صورت نپذیرفته تا اینکه آقای وکیل در تاریخ ۸۰/۱/۲۵ با حضور در دفتر دادگاه دادنامه را دریافت نموده این امر بیانگر بی‌نظمی در امور دفتری و عدم نظارت لازمه از سوی رئیس دادگاه بر امور دفتری است.

ب: دادگاه بدوی اجرای صیغه طلاق را موکول به پرداخت مهریه مافی‌القباله دانسته و مهریه مطابق سند ازدواج یک هزار سکه بهار آزادی است. بنابراین نقض رای به اعتبار اینکه مقدار دقیق آن مشخص نیست توجیه‌پذیر نیست.

ج: دادخواست اجرت‌المثل در دادگاه بدایت در جریان رسیدگی قرار داشته و مقنن برابر تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به



مستفاد از گزارش دادرسی محترم انتظامی قضات این است که آقای «ع - الف» در تاریخ ۷۷/۶/۳۰ طی دادخواستی به طرفیت همسرش خانم «م - ن» تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نموده است.

این دادخواست به کلاس ... ثبت شعبه ... عمومی تهران شده است در جریان رسیدگی خواننده نیز دادخواست مقابلی در تاریخ ۷۹/۱/۱۱ به خواسته اجرت‌المثل تقدیم نموده که تحت شماره ... در همان شعبه ثبت شده است دادگاه پس از رسیدگی‌های معموله نهایتاً به موجب دادنامه ... اقدام به صدور رای بر اجازه اجرای صیغه طلاق از نوع رجعی با پرداخت مهریه مافی‌القباله و پرداخت یک میلیون ریال نفقه ایام عده نموده است. در این رای آمده مطالبه اجرت‌المثل برای زوجه محفوظ است پس از صدور این رای زوجه در تاریخ ۷۹/۵/۲۷ دادخواست دیگری بر مطالبه اجرت‌المثل تقدیم دادگاه نموده که به

می‌دهد متعاقباً درخواست اعمال ماده ۳۲۶ شده شعبه ۳۶ دیوانعالی کشور رای تجدیدنظر را نقض و به شعبه دیگری جهت رسیدگی مجدد ارجاع شده است. حاصل رای دادگاه تجدیدنظر این است که با توجه به تخلیه به علت انتقال به غیر موجه تشخیص داده و استدلال درستی هم کرده است.

نظریه معاون محترم دادرسی انتظامی: حکم به رد دعوی تخلیه علی‌رغم محرز بودن رابطه استیجاری و احراز انتقال به غیر که آقای ... صادر کرده است تخلف انتظامی می‌باشد و با موافقت دیگر معاون دادرسی آقای دادستان دستور صدور کیفرخواست را صادر نموده است نهایتاً پرونده به شعبه دوم دادگاه ارجاع و لایحه دفاعیه واصل گردیده دادگاه انتظامی با دادرسان فوق تشکیل و با ملاحظه مراتب و اخذ نظر نماینده دادرسی مبنی بر: «اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی...» به شرح آتی رای صادر می‌نماید:

طلاق اجرت‌المثل پس از طلاق را قابل مطالبه دانسته علیهذا نقض رای به جهت اینکه حسب مفاد مندرجات تبصره ۳ ماده واحده اجرای طلاق موکول به پرداخت کلیه حقوق شرعی و قانونی از جمله اجرت‌المثل است با معیارهای قانونی منطبق نمی‌باشد.

د: رای دادگاه نخستین به صورت حکم بوده نه قرار و دادگاه تجدیدنظر مطابق بند ۲ ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مکلف است پس از نقض حکم خود راسا مبادرت به رسیدگی و انشاء رای نماید که چنین نشده است. ه: رای اولیه در مورد طلاق به درست یا نادرست از سوی دادگاه تجدیدنظر نقض گردیده و دادگاه بدوی در مرحله بعدی از رسیدگی و اظهارنظر در خصوص دادخواست خواهان به خواسته طلاق غفلت نموده است.

و: متعاقب اعتراض به نظریه کارشناس قرار ارجاع امر به دو تن از کارشناسان صادر شده در صورتی که مطابق ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی می‌بایست عده متخبین فرد باشد نه زوج.

ز: صرف‌نظر از اینکه در سطر دوم سند عادی ابرزی مورخ ۶۱/۷/۲ به دریافت نه صدم از یک هزار سکه اشاره شده و نه صدم از یک هزار سکه نود سکه است نه نهصد سکه خانم «م-ن» به کرات سند مزبور را انکار و ادعای جعل آن را نموده اقبضاء داشت در چنین وضعیتی برابر ماده ۲۲۶ و... قانون آیین دادرسی مدنی جهت رسیدگی به صحت و اصالت سند قرار ارجاع امر به کارشناس ذی‌بط صادر می‌شد که به این مهم توجه و عنایت نشده است. فلذا آقایان: ۱- ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران به جهات مندرج در بندهای «الف» و «او» ۲- ... رئیس شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران. ۳- ... مستشار شعبه مذکور به جهات منعکسه در بندهای «ب»، «ج» و «د» ۴- ... دادرسی علی‌البدل شعبه ... دادگاه عمومی تهران به جهات مرقوم در بندهای «ه»، «و» و «ز» متخلف تشخیص گردیده‌اند و بر همین اساس کفبرخواست‌های شماره ... علیه نامبردگان صادر شده است. آقایان قضات نامبرده طی لوابیح جداگانه‌ای از خود دفاع نموده‌اند که هنگام شور قرائت خواهد شد.

بنک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است و پس از قرائت گزارش و لایحه دفاعیه و کسب نظر نماینده محترم دادرسی انتظامی قضات اجمالا مبنی بر: «اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی» مشاوره نموده و چنین رای می‌دهد:

**رای دادگاه:**

الف: تخلف اعلام شده علیه آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران دو مورد است:

- ۱- عدم نظارت بر امور دفتری و دلیل آن عدم ابلاغ دادنامه به وکیل خواهان است.
- ۲- عدم رعایت دستور صریح ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی در امور انقلاب در تعیین کارشناسان فرد (نه زوج) که با احراز دو

فقره تخلف فوق و موثر نبودن دفاعیات ایشان دادگاه نامبرده را مستندا به ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به توییح کتبی با درج در ورقه خدمتی محکوم می‌نماید.

ب: تخلفات متناسب به آقایان: ۱- ... ۲- ... به ترتیب رئیس و مستشار شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان تهران این است که اولاً از دلایل نقض رای بدوی مشخص نبودن مقدار مهریه‌ای که زوج باید بپردازد قید گردیده و حال اینکه در رای دادگاه بدوی مهریه مافی‌القباله است و مهریه ما فی‌القباله در سند ازدواج یک‌هزار سکه بهار آزادی است. ثانیاً دلیل دیگر بر نقض رای اولیه اظهارنظر نکردن دادگاه نخستین در خصوص اجرت‌المثل مورد مطالبه است حال اینکه طبق تبصره ۶ ماده واحده قانون مربوطه اجرت‌المثل پس از طلاق هم قابل مطالبه است. ثالثاً رای تجدیدنظر خواسته حکم بوده نه قرار و دادگاه تجدیدنظر مطابق ماده ۲۲

اجرت‌المثل نماید فلذا با توجه به تبصره ۳ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق ایراد دادگاه تجدیدنظر صحیح بوده (هرچند مطالبه اجرت‌المثل بعداً هم قابل مطالبه باشد).

۳- اگر دادگاه تجدیدنظر قرار بود خود راسا به موضوع رسیدگی و رای صادر نماید می‌بایست در خصوص اجرت‌المثل مورد مطالبه که از حقوق شرعی و قانونی زوجه است نیز اظهارنظر می‌کرد و حال آنکه دادگاه بدوی در خصوص مورد رای نداده است با این وصف تشخیص دادگاه تجدیدنظر این بوده که چون به ماهیت موارد فوق رسیدگی نشده رای صادره به منزله قرار است تا امکان رسیدگی در دادگاه بدوی فراهم شود بنابراین تخلفی احراز نگردید و آقایان ... و ... تیرنه می‌گردند.

ج: آقای ... دادرسی علی‌البدل شعبه ... بعد از نقض دادنامه بدوی (موضوع طلاق) مکلف بوده در خصوص آن رای صادر نماید اما نامبرده فقط به



قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مکلف بوده پس از نقض آن خود راسا اقدام به رسیدگی و انشاء رای نماید علیهذا با توجه به محتویات پرونده و مشروح مدافعات به عمل آمده اقدامات انجام شده معمول بر نظر قضائی است زیرا: ۱- با توجه به سند عادی ارائه شده مبنی بر اینکه بخشی از مهریه قبلاً پرداخت شده و مورد تکذیب نیز قرار گرفته است دادگاه بدوی مکلف بوده تکلیف آن را روشن نماید و مبنی‌قطعاً قابل پرداخت را معلوم کند. بنابراین ایراد دادگاه تجدیدنظر صحیح بوده است.

۲- دادخواست تقابل زوجه مبنی بر مطالبه اجرت‌المثل در تاریخ ۷۹/۱/۱۱ (یعنی سه ماه قبل از صدور رای طلاق) تقدیم شده اما دادگاه متعرض آن نشده و صرفاً به ذکر این مطلب که مطالبه اجرت‌المثل برای زوجه محفوظ است اکتفا نموده است. این امر مسبب شده تا زوجه باز دیگر در تاریخ ۷۹/۵/۲۷ طی دادخواستی مطالبه

تعیین مقدار مهریه و اجرت‌المثل اکتفا نموده و از اظهارنظر در خصوص دعوی اصلی غفلت نموده است فلذا مستندا به ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به توییح کتبی با درج در ورقه خدمتی محکوم می‌شود. توضیح اینکه دادرسی محترم انتظامی تخلف دیگری علیه ایشان اعلام کرده مبنی بر اینکه رسید عادی مورخ ۶۱/۷/۲ حکایت از دریافت نه صدم (نه درصد) مهریه یعنی نود عدد سکه بهار آزادی دارد نه نهصد عدد که مورد توجه قاضی موصوف قرار نگرفته است با توجه به متن رسید اشاره شده به نظر می‌رسد آقای دادیار محترم دادرسی انتظامی خطی که پرائتر را بسته است میم فرض نموده و عبارت نهصد را نه صدم خوانده‌اند که با دقت در آن مشخص می‌شود که نهصد در داخل پرائتر قرار گرفته و نه صدم نمی‌باشد فلذا این ایراد بر آقای دادرسی وارد نیست و از این جهت تیرنه می‌گردد.